

ارزیابی خدمات ارائه شده در روستامهدهای  
مشارکتی و غیرمشارکتی کشور براساس  
شاخصهای رشد و تکامل یکپارچه کودکان  
خردسال (IECD)

ملیحه عرشی\*، سیدمحمدحسین جوادی\*\*، مرضیه تکفلی\*\*\*، سارا نوروزی\*\*

مقدمه: لزوم جامع‌نگری در برنامه‌های مرتبط با کودکان، امروزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای فکری دیده می‌شود. از همین‌رو سازمان بهزیستی اقدام به راه‌اندازی روستامهدها در بسیاری از مناطق کشور نموده است. هدف پژوهش حاضر، شناخت کیفیت خدمات ارائه شده در روستامهدها براساس شاخصهای رشد و تکامل یکپارچه کودکان خردسال (IECD) است.

روش: این مطالعه با روش پیمایش در بین ۱۲۳ روستامهدها از میان ۳ استان کشور و ۲۱۹ والدین و ۱۴۹ مربی با روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای انجام شده است. ابزار سنجش، پرسشنامه‌ای شامل چک لیستی براساس شاخصهای IECD بوده که با مصاحبه حضوری تکمیل شد.

یافته‌ها: بیش از دو سوم مه‌دکودکها از لحاظ امکانات کلی (آموزشی، بهداشتی، تفریحی و رفاهی) در سطح پایینی قرار دارند. میانگین مشارکت والدین در برنامه‌های مه‌دکودک پایین‌تر از متوسط است اما در شاخصهای آموزش نظیر تعداد مربی، محتوا و برنامه آموزشی بالاتر از میانگین استاندارد قرار دارد. در مواردی چون کل مقیاس آموزش، اختلاف معناداری بین میانگین مه‌دهای مشارکتی (بهزیستی و یونیسف) و مه‌دهای غیرمشارکتی وجود ندارد. اما از لحاظ میزان پوشش کل کودکان روستا نسبت به کودکان ثبت‌نامی، مه‌دکودکهای مشارکتی پوشش بالاتری دارند.

بحث: روستامهدها از نظر آموزشی در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارند، اما از نظر امکانات رفاهی، بهداشتی و تفریحی پایین‌تر از سطح استاندارد هستند. لذا روستامهدها نیاز به حمایت اقتصادی و یا آموزش برای حمایت‌یابی و همچنین نیاز به نظارت بیشتری دارند.

کلید واژه‌ها: خدمات کودکان، روستامهدها، شاخصهای IECD

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۸

دکتر مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، ایران  
دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، ایران  
دانشجوی دکتری مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
<marzieh.takaffoli@gmail.com>

#### مقدمه

دوره خردسالی که مابین طفولیت و کودکی قرار گرفته است از حساس‌ترین مراحل رشد و تکامل بشر است چراکه تاثیرات عمیقی بر سلامتی، یادگیری و سازندگی بشر در سراسر زندگی می‌گذارد. توجه به کودکان و مراقبت از رشد و سلامت آنان نه تنها زندگی سالم در دوران کودکی را تضمین می‌کند، بلکه شرایط برخوردارگی از زندگی سالم در دوران بزرگسالی را نیز فراهم می‌سازد.

دوره پیش‌دبستانی، مرحله‌ای حیاتی در کسب مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی در سال‌های اولیه بر مبنای ارتباط مؤثر و موفق با دیگران کسب می‌شود همچنین بخش عمده‌ای از اجتماعی شدن کودکان در خلال سنین ۳ تا ۶ سالگی اتفاق می‌افتد و بنیان روابط اجتماعی در این سنین شکل می‌گیرد (رشیدی ظفر و همکاران، ۱۳۹۱). فردیک فروبل<sup>۱</sup>، بنیان‌گذار کودکستان، معتقد است مرحله پیش از دبستان گامی اساسی در پلکان تجربه آموزشی و تربیتی است (ابری و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین مطرح شده است که کودکانی که در مراحل اولیه زندگی‌شان در مهارت‌های خودتنظیمی عاطفی و رفتاری، تمرکز، زبان، منطق، حل مسئله، ارتباط مناسب با دیگران و برقراری دوستی توانمند و خیره می‌شوند، در مقایسه با افرادی که فاقد این تواناییها هستند، بیشتر و بهتر به موفقیت و کامیابی می‌رسند. در واقع یکی از عوامل این موضوع تعامل کودکان با یکدیگر و با مراقبان‌شان در محیط مهدکودک است (مان و ویلیامز<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱).

فروید<sup>۳</sup> بر این باور است که بیشتر ارزشهای اخلاقی و فرایندهای بنیادی تشکیل وجدان در کودکان، تا سنین حدود ۵ الی ۶ سالگی کامل شده و یک کودک ۶ ساله دارای وجدان، بزرگسالی با وجدان خواهد شد و برعکس (هیلگارد، ۱۳۸۴). اریکسون نظریه‌پرداز رشد اجتماعی هیجانی، سنین ۳ تا ۵ سالگی یعنی سال‌های پیش‌دبستانی را دوره ابتکار در برابر

1 Friedrich Froebel  
2. Mann and Williams  
3. Freud

احساس گناه معرفی می‌کند؛ به این معنی که در این سالها دنیای اجتماعی کودکان گسترش می‌یابد و کودکان یاد می‌گیرند که برای کنار آمدن با چالشها هدفمند رفتار کنند (سانتراک، ۱۳۸۵). همان‌گونه که سیگلر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند، رشد اجتماعی آن بخشی از رشد همه جانبه کودک است که به وسیله افراد دیگر، محیط و نهادهای اطراف کودک تأثیر می‌پذیرد. وجود شرایط مناسب محیطی، خانوادگی و اجتماعی در طی سالهای اولیه و کیفیت مراکز آموزشی کودکان خردسال تأثیر بسزایی در جلوگیری از مشکلات جسمی و روانی دارد (ابری و همکاران، ۱۳۹۰). نظریات این اندیشمندان و پژوهشهای انجام شده در روان‌شناسی و علوم تربیتی گویای اهمیت سالهای اولیه زندگی در رشد و پرورش کودکان و ضرورت فراهم کردن زمینه‌های مناسب آموزشی و پرورشی در این سالها است.

در واقع تحقیقات انجام شده نشان می‌دهند که برنامه‌های آموزشی و پرورشی حاکم بر مراکز پیش‌دبستانی در تحول اجتماعی، شناختی، عاطفی، جسمی و حرکتی کودکان مؤثر می‌باشد. کودکانی که به مهدکودک می‌روند در مقایسه با کودکانی که سالهای پیش از مدرسه را در خانه می‌گذرانند بیشتر همکاری می‌کنند و تکالیفشان را بهتر انجام می‌دهند (فلیپس و همکاران، به نقل از هنری ماسن و همکاران، ۱۳۸۰). کودکان استفاده‌کننده از مهدهای کودک، در ابعاد تحول شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی حرکتی بهتر و متحول‌تر از کودکان همین گروه سنی هستند که از مهدهای کودک استفاده نمی‌کنند (اللهیاری، ۱۳۸۰).

لازم به ذکر است که امروزه بین ۲۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت، در مراکز اصلی جمعیتی جهان را کودکان تشکیل می‌دهند (بویدن، ۲۰۰۰؛ به نقل از محمدزاده، ۱۳۸۷). عیان است که ابعاد سلامت جسمانی این کودکان در حال رشد و توسعه است، برای مثال در سال ۲۰۰۶، میزان سالانه مرگ و میر کودکان زیر پنج سال در سطح جهان به کمتر از ۱۰ میلیون

1. Siegler

(۹/۷ میلیون) کاهش یافته است (یونیسف، ۲۰۰۸).

در ایران طبق سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت روستایی کشور ۲۲/۲۲۷/۷۷۱ نفر بوده است که تقریباً ۳۱/۵۴ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد و از این میزان جمعیت روستایی ۲/۴۰۰/۸۷۵ نفر از آنان کودکان زیر ۵ سال هستند (طرح راه‌اندازی و گسترش روستامهد، ۱۳۸۶).

لذا افزایش سریع و قابل ملاحظه نسبت جمعیت کودکان و نوجوانان در کل جمعیت جهان و به‌ویژه در کشورهای فقیر و در حال توسعه و نتایج بدست آمده از پژوهشهای مختلف و تجربه کشورهای پیشرفته، این واقعیت را آنچنان پررنگ ساخته که در اغلب کشورها جامع‌نگری در برنامه‌های مرتبط با کودکان و رشد همه‌جانبه آنان، یکی از اصلی‌ترین محورهای فکری صاحب‌نظران و مجریان است (محمدزاده، ۱۳۸۷).

لازم به ذکر است که رشد نامتعادل آموزش مهدکودک و پیش‌دبستانی در مناطق روستایی و شهری، یکی از موانع اصلی در رشد و توسعه آموزشهای پیش از مدرسه است. در واقع هدف اصلی توسعه عادلانه آموزش پیش‌دبستانی، تأمین نیازهای آموزشی کودکان، فراهم ساختن منابع یکسان و محیط سالم برای رشد کودکان است (یانگ و جیانگ<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴).

دولت جمهوری اسلامی در راستای قانون اساسی و برنامه چهارم توسعه، ترویج حقوق کودکان و حمایت از نقش والدین به‌عنوان مهم‌ترین مراقبین و نخستین آموزگاران کودک در نظر دارد، یک نظام ملی مراقبت، رشد و تکامل کودکان خردسال را به‌نحوی یکپارچه، همه‌جانبه و پایدار نهادینه کند. راهبردهای مکمل که شامل ارائه خدمات برای کودکان تا هشت سالگی است از محور این نظام محسوب می‌شود (یکپارچه‌سازی رشد و تکامل کودکان، ۱۳۸۵).

در همین راستا سازمان بهزیستی کشور به‌منظور اجرای برنامه چهارم توسعه و دستیابی به

۱. آخرین سرشماری صورت گرفته تا زمان اجرای طرح.

اهداف تعیین شده در قانون؛ با توجه به اصول سند چشم‌انداز بیست ساله، سند توسعه رفاه اجتماعی و کنوانسیون جهانی حمایت از حقوق کودکان و همچنین در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصتهای برابر، ارتقاء سطح آموزش، رفع محرومیت در مناطق روستایی کشور، توسعه روستاها و مبارزه با فقر، اقدام به راه‌اندازی مهدکودکهای روستایی (روستامهد)، در بسیاری از نقاط روستایی کشور نموده است. به‌طوریکه هم‌اکنون (تا سال ۱۳۸۶) حدود ۵۶۰۰ روستامهد در مناطق روستایی مشغول به فعالیت هستند. این اقدام که از سال ۱۳۸۰ تا به‌حال به‌طور جدی دنبال می‌شود دارای نتایج مثبت فراوانی بوده است (طرح راه‌اندازی و گسترش روستامهد، ۱۳۸۶). این برنامه شامل یکپارچه‌سازی بهداشت، تغذیه، پرورش فکری، تأمین فرصت برای کشف و یادگیری فعال، ایجاد زمینه پرورش و مراقبتهای اجتماعی و عاطفی است که کودک برای خویش و برای ایفای نقش فعال در درون خانواده و اجتماع به آن نیازمند است (یکپارچه‌سازی رشد و تکامل کودکان، ۱۳۸۵).

شاخصهای IECID<sup>۱</sup> که از آن به‌عنوان شاخصهای رشد و تکامل یکپارچه کودکان خردسال یاد می‌شود و محور اصلی چشم‌انداز سیاست‌گذاری مراقبت رشد و تکامل کودکان خردسال در کشور می‌باشد، در سه گروه روستامهدها، والدین و مربیان تعریف شده‌اند. در سطح روستامهدها شامل مواردی چون نیروی انسانی، فضای فیزیکی، نوع مالی، درآمد، تعداد کل کودکان ثبت‌نام شده، تعداد کل والدین ثبت‌نامی، محل استقرار مهد کودک، تعداد کل کودکان ۳ تا ۶ سال در روستا و...؛ در سطح والدین شامل ویژگیهای والدین، بعد خانوار، درآمد و هزینه‌های خانواده، درصد هزینه هر کودک نسبت به درآمد خانواده، وضعیت حمایتی خانواده و...؛ و در نهایت در سطح مربیان شامل شاخصهایی چون سن، تحصیلات، رشته تحصیلی، سابقه کار با کودک مربیان و... است. در واقع برخلاف باور عمومی، بزرگ کردن کودک یک مهارت ذاتی نیست و مستلزم آموزش و

## 1. Integrate Early Childhood Development

یونیسف از سال ۲۰۰۰ میلادی از این اصطلاح برای اشاره به رشد و تکامل یکپارچه کودکان خردسال استفاده می‌کند.

راهنمایی است. به همین علت، IECD یک روش جامع در زمینه سیاستها و برنامه‌هایی است که برای کودکان از زمان تولد تا ۸ سالگی، والدین آنها، مددکاران اجتماعی و مراقبین کودک تهیه و طراحی می‌شود. هدف این روش این است که حقوق کودک در زمینه رشد و پرورش کامل استعدادهای ذهنی، عاطفی، اجتماعی و جسمی مورد حمایت قرار گیرد (یکپارچه‌سازی رشد و تکامل کودکان، ۱۳۸۵).

نکته قابل توجه این است که روستامهد تجربه‌ای جدید می‌باشد و تا زمان اجرای این طرح (سال ۱۳۸۷) پژوهش خاصی در زمینه‌های ارزشیابی آموزشی و کیفیت خدمات ارائه شده در آنها صورت نگرفته بوده است. پژوهشهای موجود انجام شده در مورد مهد کودکها نیز، نخست اینکه بر روی مهد کودکهای واقع در شهرهای بزرگ صورت گرفته است که تفاوت اساسی با روستامهدها دارند. ثانیاً، ارزشیابیهای انجام شده نیز مدون و براساس شاخصهای IECD نبوده است و نمی‌تواند نتیجه مطلوبی در راستای رسیدن به یکپارچه‌سازی رشد و تکامل کودکان خردسال در کشور بدست دهد.

بنابراین ضرورت انجام پژوهشی، در راستای رساندن اطلاعاتی از کیفیت و وضعیت مهدهای کودک در روستاها براساس برنامه جامع IECD، ارزیابی صلاحیت مدیران و مربیان مهدهای کودک در جهت رشد و شکوفایی کودکان در تمام زمینه‌ها، میزان مشارکت مردم در حمایت از برنامه‌های مهدهای روستایی و در نهایت توانایی مسئولین روستامهدها در جلب مشارکت مردم، کاملاً احساس می‌گردد. در نهایت پژوهش حاضر می‌تواند در هماهنگ‌سازی حمایت‌های نظارتی و قانونی موجود برای تأمین خدمات، تقویت سازوکارهای لازم برای ارزشیابی و اجرای برنامه‌ها به‌منظور دستیابی و حفظ کیفیت و رسیدن به برنامه جامع IECD کمک شایانی بکند.

در این راستا، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناخت کیفیت خدمات ارائه شده روستامهدها بر اساس شاخصهای IECD است. علاوه بر این، این پژوهش اهداف اختصاصی دیگری را نیز پی می‌گیرد که عبارتند از شناخت میزان پوشش، دسترسی و

کاربرد برنامه‌های رشد و تکامل کودکان برای کودکان و والدین آنها در روستامهدا؛ شناخت کیفیت برنامه‌های آموزشی، فضای فیزیکی روستامهدا براساس شاخصهای IECD؛ شناخت میزان دسترسی مردم به خدمات ارائه شده روستامهدا و در نهایت شناخت میزان توانایی روستامهدا در جلب مشارکت مردم.

### پیشینه تجربی

با توجه به اینکه روستامهد تجربه‌ای نسبتاً جدید محسوب می‌شود، سوابقی که دقیقاً به موضوع ارزشیابی آموزشی و کیفیت خدمات ارائه شده در این مهدها پرداخته باشند به دست نیامد، لذا در این قسمت به مواردی چند، که غیرمستقیم با موضوع پژوهش مرتبط بوده‌اند، اشاره شده است:

توکلی (۱۳۸۰) در تحقیقی پیرامون «بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرحهای رفاه اجتماعی (مورد روستامهد)» در ۳ استان زنجان، سمنان و فارس، ۹ روستا را با ۲۱۰ پرسشنامه مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها نشان داد که بین برخورداری از امکانات، ویژگیهای روان‌شناختی روستاییان، میزان همبستگی اجتماعی و میزان تحصیلات و سواد روستاییان با میزان مشارکت آنها در طرحهای رفاه اجتماعی رابطه وجود دارد؛ اما بین وضعیت اقتصادی خانواده و میزان مشارکت روستاییان در طرحهای رفاه اجتماعی رابطه‌ای وجود ندارد.

یزدان‌دوست و واحدی (۱۳۸۴) در تحقیقی پیرامون «بررسی کیفیت روستامهدهای روستایی براساس محتوای آموزشی آنان»، ۱۱۴ روستامهد از استانهای آذربایجان غربی، هرمزگان و سیستان و بلوچستان را مورد بررسی قرار داده است. یافته‌ها حاکی از این بود که از لحاظ فیزیکی ۵۰٪ با نبود مکان مخصوص برای صرف غذا، نبود دستشویی و توال مناسب و عدم وجود تهویه روبرو هستند، ۲۷٪ نیاز به رنگ آمیزی دارند، ۲۷٪ دارای زمین بازی خاکی هستند از لحاظ بهداشتی ۶۲٪ در سرویس بهداشتی دارای صابون، حوله و دستمال کاغذی، ۵۰٪ وزن و قد کودکان را در بدو ورود به مهد کنترل می‌کنند. از لحاظ

ایمنی ۷۳٪ مجهز نبودن پنجره‌ها به تور سیمی، ۵۶٪ عدم نصب کپسول اطفاء حریق به تعداد کافی و ۵۱٪ با عدم روپوش ایمنی پریزهای برق روبرو هستند. ۵۸٪ نیروی انسانی دیپلم، ۵٪ لیسانس و فوق دیپلم و ۳۰٪ زیر دیپلم هستند. در برنامه آموزشی ۸۸٪ مربیان از واحد کار استفاده می‌کنند؛ ۸۲٪ روستامهدها برای برنامه‌های روزانه خود جدول فعالیت دارند. ۵۲٪ روستامهدها ارتباط مناسبی با خانواده‌ها ندارند.

فکر آزاد (۱۳۸۵) در تحقیقی پیرامون «ارزیابی چالش‌های یکپارچه‌سازی برنامه IECD در ایران»، ۱۲۶ مربی مهد را در ۲۱ مهد کودک از ۴ منطقه تهران مورد بررسی قرار داد و عنوان کرد که ۳۱٪ مربیان شاغل در مهدهای کودک علاقه‌ای به شغل خود ندارند، ۶۴٪ مربیان امنیت شغلی خود را تأیید نمی‌کنند، ۲۸٪ مربیان ارتباط حرفه‌ای و مناسبی را با والدین برقرار نمی‌کنند، ۳۳٪ مربیان استاندارد نبودن فضای مورد نیاز جهت فعالیت را ابراز کرده‌اند، ۴۵٪ برنامه‌های اجرا شده توسط مربیان را نامناسب و ۳۶٪ نیز ابزار آموزشی مورد استفاده در مهدهای کودک را نامناسب ارزیابی کرده‌اند.

در پژوهش ابری و همکاران (۱۳۹۰) که برای مقایسه رشد اجتماعی کودکان ۳ تا ۶ سال برخوردار و محروم از خدمات روستامهدها (بررسی موردی شهرستان ورامین) صورت گرفت مشخص شد که رشد اجتماعی کودکان برخوردار از خدمات روستامهد، تحت تأثیر محیط غنی‌تر رشد آنان در مقایسه با کودکان نابرخوردار، بیشتر می‌باشد. کودکان در روستامهد این فرصت را پیدا می‌کنند که به کنش متقابل با گروه همسالان بپردازند و کشفیات خود از محیط را با آنها در میان بگذارند و در آموخته‌های یکدیگر سهیم شوند. تجربه محیط غنی‌تر از خانه از لحاظ مواد و محتوای آموزشی و ارتباطات اجتماعی، کودکان را با فرصت‌های بیشتری برای یادگیری و رشد مواجه می‌سازد.

## روش

**ماهیت تحقیق:** این مطالعه از خانواده مطالعه‌های ارزیابی کیفیت می‌باشد که به ارزیابی



کیفیت خدمات ارائه شده در روستامهدهای کشور براساس شاخصهای IECD، با استفاده از روش پیمایشی پرداخته است.

**جامعه آماری و نمونه گیری:** جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه روستامهدهای فعال در سطح کشور می‌باشند. مطابق آمار اعلام شده از سوی دفتر امور کودکان و نوجوانان، معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۸۶ تعداد ۵۵۰۰ روستامهد در سطح کشور مشغول به فعالیت هستند. از این رو تعداد کل روستامهدها در سال مذکور به‌عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد. واحد تحلیل در این پژوهش، روستامهد فعال در روستای مورد نظر در نمونه آماری است.

با توجه به انجام این پروژه به‌صورت مشاهده مشارکتی و بررسی مستقیم موضوع در محل، توسط پژوهشگران همکار در طرح، تعداد ۱۲۳ روستامهد به‌صورت تصادفی از میان ۳ استان کشور انتخاب شده است. جهت بررسی صلاحیت مربیان و میزان مشارکت والدین، تعداد ۱۴۹ مربی و تعداد ۲۱۹ والد به‌صورت تصادفی انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شده است که با توجه به حجم نمونه پژوهش و انتخاب نمونه‌ها از ۳ استان کشور به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند.

**روش جمع‌آوری داده‌ها:** همان‌طور که عیان است در پژوهش زمینه‌یابی مصاحبه شخصی به‌عنوان روش عمده جمع‌آوری اطلاعات به کار می‌رود، لذا در این پژوهش نیز از مصاحبه شخصی به‌عنوان تکنیک جمع‌آوری اطلاعات بهره گرفته شده است. ابزار سنجش این پژوهش پرسشنامه می‌باشد که پرسشنامه‌های مورد استفاده در این پژوهش توسط محقق براساس شاخصهای تعریف شده IECD طراحی شده‌اند و شامل چک لیستی از این شاخصها می‌باشند. در واقع برای انجام این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه اول برای بررسی وضعیت کلی روستامهد در هشت قسمت، پرسشنامه دوم برای بررسی وضعیت مشارکت والدین در چهار قسمت و پرسشنامه سوم جهت بررسی میزان

کارایی آموزش مربیان روستامهد در دو قسمت طراحی شده بود. پرسشنامه‌ها از طریق مصاحبه حضوری با پاسخگویان تکمیل شدند.

با توجه به این که نمونه‌های پژوهش از سه استان آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و هرمزگان، انتخاب شده بودند. سه پژوهشگر پس از گذراندن دوره آموزشی لازم به استانهای مربوطه مراجعه نمودند. پژوهشگران به صورت مستقیم به روستامهدهای انتخابی رفته و بعد از بازدید و مشاهده وضعیت مهد کودکها اقدام به تکمیل پرسشنامه مخصوص کردند و در ادامه با مربیان مصاحبه کرده و اطلاعات و مدارک لازم را دریافت کردند. پرسشنامه والدین نیز به صورت مصاحبه‌ای و بدون حضور مربیان و مسئولین بهزیستی تکمیل شد.

**روایی ابزار:** در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن اهمیت روایی پژوهش، سعی بر آن بوده تا معرفیهایی برای اندازه‌گیری تعیین شوند که یا قبلاً در پژوهشهای دیگر به کار برده شده و نتایج قابل قبولی داشته‌اند و یا با مشورت صاحب‌نظرانی باشند که بر روی موضوع کار کرده بودند. مشورت با چند تن از اساتید علوم اجتماعی و مدیر دفتر کودکان و نوجوانان و تأیید این موضوع که پرسشنامه همان چیزی را که مدنظر است می‌سنجد، بر روایی محتوایی پرسشنامه صحت گذاشت. در ضمن، سعی وافر بر این بود که موارد مورد بررسی، نه تنها رشته مشترک موضوع مورد مطالعه را در برگیرند، بلکه کل (یا اعظم) دامنه تغییر موضوع مورد مطالعه را بپوشاند و سایر مواردی که مورد سنجش قرار نگرفته کاملاً مشخص و معین می‌باشد.

**تحلیل داده‌ها:** پس از پایان یافتن مرحله جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات لازم، تمامی پرسشنامه‌ها مورد بازبینی قرار گرفته و پس از اطمینان از صحت کار، براساس تکرارپذیری پاسخهای داده شده به سؤالات، گویه‌ها کدگذاری شده است. اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها پس از کدگذاری، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS تجزیه و تحلیل شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. با استفاده از آمار

توصیفی، کلیه پاسخهای داده شده به سؤالات پرسشنامه در قالب جداول فراوانی نسبی توصیف شدند. همچنین در مورد متغیرهای کمی مانند سن، درآمد و...، شاخصهای آماری نما، میانه و میانگین محاسبه شد. برای مقایسه مهدهای مشارکتی و غیرمشارکتی از آزمون t با دو نمونه مستقل و برای مقایسه مهدهای سه استان مورد مطالعه، از آزمون F استفاده شد.

### یافته‌ها

با توجه به نتایج حاصل از داده‌ها و تحلیلهای صورت گرفته، یافته‌های پژوهش در ادامه آمده است که براساس این نتایج، سه گروه والدین، مریبان و از ویژگی‌های زیر برخوردار بودند:

### الف) والدین

- سن پدران کودکان از ۲۲ سال تا ۶۷ سال بوده و بیشترین پدران با ۴۳٪ در سنین ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند.
- سن مادران کودکان از ۱۶ سال تا ۴۸ سال بوده و بیشترین مادران با ۵۸٪ فراوانی در سنین ۲۵ تا ۳۵ سال قرار داشته‌اند.
- ۱۵٪ پدران و ۲۱٪ مادران بی‌سواد بودند.
- کمترین تعداد فرزندان در خانواده‌ها یک فرزند و بیشترین تعداد نُه فرزند بود و خانواده‌های با دو فرزند بیشترین فراوانی فرزندان را داشته‌اند.
- ۵۴٪ والدین مدعی شده‌اند که ۱۰٪ تا ۲۵٪ از درآمد خانواده را صرف کودکان خردسال خود می‌کنند و ۵۰٪ والدین زیر ۲۵٪ و ۵۰٪ دیگر بالای ۲۵٪ را گزارش کرده‌اند.
- ۸۲٪ خانواده‌ها فقط یک فرزندشان از خدمات روستامهد استفاده کرده است. ۵۱٪ خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که فرزندانشان پنج ساعت در روز از روستامهد استفاده می‌کنند.

### ب) مریبان

- سن ۲۳ سالگی از بیشترین فراوانی در بین مریبان برخوردار بود. ۴۱٪ مریبان بین سنین ۲۰ تا ۲۵ سال قرار داشتند و میانگین سنی آنها ۲۵ سال بود. طوریکه مسن‌ترین مریبی کودکان ۴۰ ساله و جوان‌ترین آنان ۱۸ ساله بوده است.
- ۶۲٪ مریبان دارای مدرک تحصیلی دیپلم بوده و رشته علوم انسانی بیشترین نسبت را در میان رشته‌های تحصیلی داشته است.
- ۵۸٪ مریبان مجرد و ۴۲٪ آنها متأهل بودند.
- ۵۰٪ مریبان زیر ۴ سال و ۵۰٪ دیگر بالای ۴ سال سابقه کار داشته و بیشترین سابقه کار ۷ سال و کمترین آن ۱ سال بوده است.

### ج) روستامهدها

- ۸۸٪ مهدها دارای یک مریبی بوده‌اند، ۶٪ مهدها دارای یک کمک مریبی، ۲۳٪ دارای یک آشپز و ۱۰٪ مهدها نیز دارای یک نفر خدمه می‌باشند.
- ۶۷٪ مهدها بین ۱۰ تا ۳۰ متر فضای فیزیکی در اختیار دارند. میانگین فضای فیزیکی در مهدها برابر با ۳۷ متر بوده و بیشترین فضای فیزیکی ۴۵۰ متر و کمترین آن ۶ متر بوده است.
- ۸۴٪ مهدها فقط دارای یک اتاق آموزشی و ۵۱٪ آنها دارای متراژ آموزشی ۱۰ تا ۲۰ متر بوده‌اند. به‌طورکلی ۵۰٪ مهدها زیر ۱۸ متر و ۵۰٪ دیگر بیشتر از ۱۸ متر فضای آموزشی در اختیار داشتند. بیشترین فضای آموزشی ۶۰ و کمترین آن ۶ متر بوده است.
- ۵۱٪ مهدها اجاره‌ای بوده‌اند.
- ۸۱٪ مهدهای روستایی فاقد فضای بازی برای کودکان بودند.
- ۴۶٪ مهدها از لحاظ سرویس بهداشتی در وضعیت نامناسب قرار داشته و ۲۳٪ فاقد سرویس بهداشتی بودند.
- ۲۵٪ از لحاظ ایمن‌سازی ساختمان مهد در کیفیت پایینی قرار دارند و ۶۱٪ اصلاً هیچ

کدام از آیتم‌های ایمن‌سازی را رعایت نکرده‌اند.

- ۸٪ مهدها فاقد هرگونه امکانات رفاهی هستند. از دارندگان امکانات رفاهی، ۴۸٪ دارای امکانات رفاهی با کیفیت پایین، ۴۱٪ کیفیت متوسط و ۳٪ دارای امکانات رفاهی با کیفیت بالا بودند.

- ۶۹٪ مهدها از لحاظ امکانات کلی (آموزشی، بهداشتی، تفریحی و رفاهی) در سطح پایینی قرار داشتند، ۲۵٪ کیفیت متوسط و ۴٪ در سطح بالایی قرار داشتند. قابل توجه است که ۲٪ مهدهای مورد بررسی هیچ کدام از امکانات ذکر شده را نداشته و در وضعیت صفر قرار داشتند.

شاخص کاربرد برنامه‌های رشد و تکامل کودکان برای کودکان و والدین آنها از دید والدین کودکان مورد بررسی قرار گرفته است و ۹۹/۵٪ والدین معتقد بوده‌اند که خدمات ارائه شده در روستامهدا تأثیرات بالایی از لحاظ آموزشی، بهداشتی، تغذیه و رشد بر روی کودکان داشته است. بیش از ۹۵٪ والدین معتقدند آموزش‌های داده شده در روستامهدا و خدمات ارائه شده در آن تأثیرات عمیقی را در تغییر و بهبود اصول پرورشی والدین و نگرش آنها نسبت به کودکان داشته است.

والدین از ویژگی‌های مربیان مانند آرام بودن، صبور بودن، مهربان بودن و ... رضایت داشته‌اند و مربیان را از لحاظ توانایی برقراری ارتباط با کودکان، سلامت و ویژگی‌های اجتماعی در سطح بالایی ارزیابی نمودند.

داده‌های حاصل از بررسی شاخص کیفیت برنامه‌های آموزشی حاکی از آن است که:

- ۶۷٪ مهدها از لحاظ اجرای دستورالعملها و برنامه‌های روزانه در سطح متوسط و ۳۲٪ در سطح بالایی قرار دارند.

- ۹۱٪ مهدها از لحاظ آیتم‌های آموزشی واحد کار در سطح بالا قرار دارند.

- کارگاه‌های آموزشی موجود در واحد کار ۸۹٪ مهدهای روستایی مورد بررسی دارای کیفیت بالایی هستند.

جدول (۱) مقایسه میانگین برنامه‌های آموزشی در دو گروه مهدروستاهای مشارکتی و غیرمشارکتی

<i>p</i>	<i>t</i>	SD	M	n	برنامه‌ها	
۰/۴۵۷	۰/۷۴۶	۲/۸۲	۱۱/۵۴	۵۹	مشارکتی	اجرای دستورالعملها
		۲/۸۱	۱۱/۹۲	۶۴	غیرمشارکتی	
۰/۳۵۴	۰/۹۳۱	۳/۲۸	۲۲/۴۱	۵۸	مشارکتی	آموزشی واحد کار
		۲/۵۳	۲۲/۹۱	۶۴	غیرمشارکتی	
۰/۲۷۶	۱/۰۹	۲/۰۱	۱۷/۷۲	۵۸	مشارکتی	کارگاهی واحد کار
		۲/۵۵	۱۷/۲۷	۶۴	غیرمشارکتی	
۰/۹۲۷	۰/۰۹	۴/۳۳	۱۷/۷۳	۳۳	مشارکتی	آموزش والدین
		۴/۸۰	۱۷/۶۲	۲۹	غیرمشارکتی	
۰/۷۵۱	۰/۳۱۹	۱۵/۱۸	۶۰/۹۲	۵۹	مشارکتی	کل آموزش
		۱۳/۹۵	۶۰/۰۸	۶۴	غیرمشارکتی	

پایین تر بودن مشارکت والدین از سطح متوسط، از جمله یافته‌های قابل توجه این پژوهش است. نتایج پرسشنامه هم والدین و هم مربیان نشان‌دهنده این است که رابطه مشارکتی بین والدین و مربیان روستامهد وجود ندارد. والدین در طرح تغذیه و یا برنامه‌های آموزشی دعوت نمی‌شوند. به‌طوری‌که ۶۱٪ روستامهدها هیچ برنامه آموزشی برای والدین نداشته‌اند.

در ادامه، یافته‌های پژوهش بین مهدهای مشارکتی و غیرمشارکتی در جداول (۱) و (۲) مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته‌اند. همان‌گونه که در جدول شماره (۱) مشاهده می‌شود، از لحاظ کل مقیاس آموزش (اجرای دستورالعملها، آموزش واحد کار، کارگاه واحد کار، آموزش والدین) که دارای نوسان امتیازی (۰-۸۵) می‌باشد، اختلاف معناداری بین میانگین

مهدهای مشارکتی ( $M=60/92$ ) و مهدهای غیرمشارکتی ( $M=60/08$ ) وجود ندارد.

با توجه به نتایج مندرج در جدول شماره (۲) می توان عنوان کرد که:

- از لحاظ توانایی تحت پوشش قراردادان کودکان ثبت نامی نسبت به فضای آموزشی موجود مهد کودک در سال گذشته ( $t=0/260$ ،  $p>0/05$ ) و در سال جاری ( $t=0/968$ ،  $p>0/05$ )، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای مشارکتی و مهدهای غیرمشارکتی وجود ندارد.

- از لحاظ توانایی تحت پوشش قراردادان کل کودکان روستا نسبت به فضای آموزشی موجود مهد کودک در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای مشارکتی و مهدهای غیرمشارکتی وجود ندارد ( $t=1/250$ ،  $p>0/05$ ).

- از لحاظ میزان تحت پوشش قراردادان کل کودکان روستا نسبت به کودکان ثبت نامی در سال جاری که دارای نوسان امتیازی (۰-۱۰۰) می باشد، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای مشارکتی ( $M=74/66$ ) و مهدهای غیرمشارکتی ( $M=82/97$ ) وجود دارد ( $t=2/010$ ،  $P<0/05$ ). بنابراین می توان گفت که مهدهای غیرمشارکتی تعداد بیشتری از کودکان کل روستای خود را نسبت به مهدهای مشارکتی تحت پوشش قرار داده اند.

- در مقایسه میزان استفاده از طرح تغذیه، طرح منافع عالی کودکان، بیمه کودکان، مشارکت والدین، امکانات بهداشتی و تفریحی بین روستامهدهای مشارکتی و غیرمشارکتی تفاوت معناداری مشاهده نگردید.

جدول (۲) مقایسه میانگین خدمات در دو گروه مهدروستاهای مشارکتی و غیرمشارکتی

برنامه‌ها		n	M	SD	t	p
توان پوشش ثبت‌نامی سال گذشته	مشارکتی	۵۸	۸۴/۷۱	۳۴/۹۸	۰/۲۶۰	۰/۷۹۶
	غیرمشارکتی	۶۰	۸۲/۸۹	۴۰/۷۶		
توان پوشش ثبت‌نامی سال جاری	مشارکتی	۵۹	۹۴/۸۰	۶۰/۵۴	۰/۹۶۸	۰/۳۳۵
	غیرمشارکتی	۶۴	۸۵/۷۴	۴۲/۲۵		
توان پوشش کل کودکان روستا	مشارکتی	۵۹	۶۳/۷۷	۲۸/۳۱	۱/۲۵۰	۰/۲۱۳
	غیرمشارکتی	۶۴	۷۴/۱۹	۵۷/۷۹		
میزان پوشش کل کودکان روستا	مشارکتی	۵۹	۷۴/۶۶	۲۴/۸۲	۲/۰۱۰	۰/۰۴۶
	غیرمشارکتی	۶۴	۸۲/۹۷	۲۰/۸۰		
مشارکت والدین کودکان ثبت‌نامی سال گذشته	مشارکتی	۳۸	۵۳/۶۱	۳۰/۶۴	۰/۹۳۱	۰/۳۵۵
	غیرمشارکتی	۴۰	۵۹/۹۴	۲۹/۴۶		
مشارکت والدین کودکان ثبت‌نامی سال جاری	مشارکتی	۱۲	۵۲/۶۸	۲۸/۵۱	۰/۸۳۸	۰/۴۱۰
	غیرمشارکتی	۱۵	۶۲/۴۸	۳۱/۴۳		
کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از طرح تغذیه سال گذشته	مشارکتی	۵۸	۹۵/۰۴	۹/۱۹	۰/۰۱۳	۰/۹۹۰
	غیرمشارکتی	۵۹	۹۵/۰۷	۸/۹۷		
کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از طرح تغذیه سال جاری	مشارکتی	۲۶	۹۸/۰۸	۷/۱۹	۰/۶۴۷	۰/۵۲۱
	غیرمشارکتی	۲۳	۹۹/۱۲	۲/۹۹		
کودکان ثبت‌نامی بیمه شده	مشارکتی	۳۸	۷۷/۷۵	۲۵/۹۷	۰/۶۹۰	۰/۴۹۲
	غیرمشارکتی	۵۰	۷۳/۸۰	۲۷/۰۱		
کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از طرح منافع عالی کودکان	مشارکتی	۵۵	۳۴/۹۱	۳۲/۹۰	۰/۵۶۱	۰/۵۷۶
	غیرمشارکتی	۶۲	۳۱/۵۰	۳۲/۶۵		



- در قسمت آخر یافته‌ها، به بررسی و مقایسه روستامهدهای سه استان مورد بررسی استان هرمزگان، استان سیستان و بلوچستان و استان آذربایجان غربی پرداخته می‌شود:
- از لحاظ امکانات (بهداشتی، آموزشی، تفریحی، ایمنی، آشپزی و رفاهی)، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استان هرمزگان، مهدهای استان سیستان و بلوچستان و مهدهای استان آذربایجان غربی وجود دارد. به این معنی که استان هرمزگان با امتیاز بالاتر از سیستان و آذربایجان غربی و همانندی در انحراف معیار دارای کیفیت بهتری در این آیتم نسبت به این دو استان می‌باشد و تعداد ۲ واحد از مهدهای استان آذربایجان غربی فاقد کلیه امکانات ذکرشده می‌باشند.
  - از لحاظ کل آموزش، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استان هرمزگان، مهدهای استان سیستان و بلوچستان و مهدهای استان آذربایجان غربی وجود دارد. به این معنی که استان هرمزگان با امتیاز بالاتر از سیستان و آذربایجان غربی و انحراف معیار پایین‌تر دارای کیفیت بهتری در این آیتم نسبت به این دو استان می‌باشد.
  - از لحاظ توانایی تحت پوشش قراردادن کودکان ثبت‌نامی نسبت به فضای آموزشی موجود مهد کودک در سال گذشته، اختلاف معناداری بین میانگین استانها وجود ندارد.
  - از لحاظ توانایی تحت پوشش قراردادن کودکان ثبت‌نامی نسبت به فضای آموزشی موجود مهد کودک در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود ندارد.
  - از لحاظ توانایی تحت پوشش قراردادن کل کودکان روستا نسبت به فضای آموزشی موجود مهد کودک در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استان هرمزگان، مهدهای استان سیستان و بلوچستان و مهدهای استان آذربایجان غربی وجود دارد. به این معنی که استان هرمزگان با امتیاز بالاتر از سیستان و آذربایجان غربی دارای توانایی پوشش بالاتری نسبت به این دو استان می‌باشد.

- از لحاظ مقدار تحت پوشش قرارداد کل کودکان روستا نسبت به کودکان ثبت‌نامی در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود دارد. به این معنی که استان هرمزگان با امتیاز بالاتر از سیستان و آذربایجان غربی دارای میزان پوشش بالاتری نسبت به این دو استان می‌باشد.
- از لحاظ میزان مشارکت والدین (تعداد والدین کودکان ثبت‌نامی شرکت‌کننده در جلسات آموزشی تغذیه) در سال گذشته، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود ندارد.
- از لحاظ مقدار مشارکت والدین (تعداد والدین کودکان ثبت‌نامی شرکت‌کننده در جلسات آموزشی تغذیه) در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود ندارد.
- از لحاظ تعداد کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از وعده غذای گرم در سال گذشته، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود دارد. به این معنی که استان هرمزگان با امتیاز بالاتر از سیستان و آذربایجان غربی دارای درصد بیشتری از کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از یک وعده غذای گرم نسبت به دو استان دیگر دارد.
- از لحاظ تعداد کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از وعده غذای گرم در سال جاری، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود ندارد.
- از لحاظ تعداد کودکان ثبت‌نامی بیمه شده، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استان هرمزگان، مهدهای استان سیستان و بلوچستان و مهدهای استان آذربایجان غربی وجود دارد. به این معنی که استان سیستان و بلوچستان با امتیاز بالاتر از هرمزگان و آذربایجان غربی دارای درصد بیشتری از کودکان ثبت‌نامی بیمه شده نسبت به دو استان دیگر دارد.
- از لحاظ تعداد کودکان ثبت‌نامی استفاده‌کننده از طرح پیشبرد منافع عالی کودکان، اختلاف معناداری بین میانگین مهدهای استانها وجود دارد. به این معنی که استان

سیستان و بلوچستان با امتیاز بالاتر از هرمزگان و آذربایجان غربی دارای درصد بیشتری از کودکان ثبت نامی استفاده کننده از طرح پیشبرد منافع نسبت به دو استان دیگر دارد.

### بحث

در این قسمت یافته های پژوهش با توجه به هریک از شاخصهای مورد ارزیابی طرح و استانداردهای تعریف شده مورد بررسی قرار می گیرند.

میزان پوشش کودکان و والدین آنها توسط مهدهای روستایی از شاخص نسبت کودکان ثبت نام شده از تعداد کل کودکان روستا بدست می آید که با توجه به داده های موجود ۴۷٪ مهدهای روستایی بین ۹۰٪ تا ۱۰۰٪ کودکان روستا و ۲۳٪ نیز بین ۵۰٪ تا ۷۰٪ از کودکان روستا را پذیرش کرده اند و میانه این نسبت در مهدهای روستایی ۸۵٪ می باشد. با توجه به این نتایج، می توان نتیجه گرفت که روستامهدهای بررسی شده از لحاظ میزان پوشش کودکان و والدین روستای محل استقرار خود در سطح بالایی قرار دارند و رضایت بخش هستند. البته ناگفته نماند که بیش از ۱۴٪ مهدهای روستایی بررسی شده زیر ۵۰٪ از کودکان و والدین روستایی خود را تحت پوشش قرار داده اند و کمترین این نسبت ۱۷٪ می باشد.

شاخص دسترسی کودکان به خدمات ارائه شده روستامهدها را از طریق مترای فضای آموزشی روستامهد نسبت به کل کودکان روستا، مقدار کمکهای بهزیستی با عنوان طرح پیشبرد منافع عالی کودکان نسبت به کودکان نیازمند، و بودجه طرح یک وعده غذای گرم نسبت به کودکان ثبت نام شده، مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به داده های موجود، ۳۳٪ از مهدهای روستایی بررسی شده توانایی پذیرش بین ۴۰٪ تا ۶۰٪ از کودکان روستا را نسبت به فضای آموزشی دارا می باشند و ۵۰٪ از مهدها توانایی پذیرش کمتر از ۶۰٪ کودکان کل روستا را دارند و با توجه به این که میانگین این نسبت در مهدهای روستایی

۶۹٪ می‌باشد، میزان دسترسی کودکان روستایی به خدمات ارائه شده در مهدهای روستایی در حد متوسط به بالایی قرار دارد.

ولی با نگاه به تعداد کودکان نیازمند در روستامهدهای بررسی شده نسبت به کل کودکان ثبت‌نامی و نسبت کمک مالی بهزیستی شهرستان به مهدهای روستایی می‌توان نتیجه گرفت که میزان دسترسی کودکان به خدمات ارائه شده در مهدهای روستایی بسیار پایین است. زیرا یافته‌ها نشان دادند که به‌طور میانگین ۳۳٪ از کودکان ثبت‌نامی مستضعف بوده و نیازمند استفاده از طرح پیشبرد منافع عالی کودکان بهزیستی می‌باشند و این نسبت در ۱۴٪ مهدها بین ۹۰٪ تا ۱۰۰٪ کودکان ثبت‌نامی می‌باشد اما بهزیستی فقط ۱۰٪ از کودکان ثبت‌نامی را تحت پوشش طرح پیشبرد منافع عالی کودکان قرار داده است و همچنین مبلغ دریافتی از سوی مهدهای روستایی بابت طرح یک وعده غذای گرم از بهزیستی به ازاء ۵۰٪ از کودکان ثبت‌نامی می‌باشد، در حالی که به‌طور میانگین ۹۵٪ کودکان ثبت‌نامی در طول سال از طرح یک وعده غذای گرم استفاده می‌کنند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان دسترسی کودکان و والدین به خدمات ارائه شده در روستامهدهای بررسی شده پایین می‌باشد.

شاخص نسبت مربی به کودک در مهدها با توجه به کودکان ثبت‌نامی، یک مربی برای ۲۶ کودک می‌باشد که این وضعیت بهتر از دستورالعمل مربوطه می‌باشد و نسبت مربی به کودک برای کلیه کودکان روستا یک مربی برای ۳۴ کودک است و مسلم است که یک مربی توان پاسخگویی به کل روستا را ندارد. شاخص نسبت سرانه فضای آموزشی برای هر کودک یک متر مربع می‌باشد در حالی که این نسبت در مهدها برای کودکان ثبت‌نام شده ۸۵ سانتیمتر و برای کل کودکان روستا ۶۵ سانتیمتر است که نسبت مناسبی نمی‌باشد.

شاخص دیگری که مورد پرسش قرار گرفته است کاربرد برنامه‌های رشد و تکامل کودکان برای کودکان و والدین آنها می‌باشد که در این پژوهش این شاخص از دید والدین کودکان مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به اینکه ۹۹/۵٪ والدین معتقد بوده‌اند که

خدمات ارائه شده در روستامهدها تأثیرات بالایی از لحاظ آموزشی، بهداشتی، تغذیه و رشد بر روی کودکان داشته است و بیش از ۹۵٪ والدین معتقدند آموزشهای داده شده در روستامهد و خدمات ارائه شده در آن تأثیرات عمیقی در تغییر و بهبود اصول پرورشی و نگرش آنها نسبت به کودکان داشته است، می توان نتیجه گرفت برنامه های رشد و تکامل کودکان برای کودکان و والدین آنها دارای کاربرد بالایی است .

شاخص بعدی صلاحیت مدیران و مربیان مهدهای روستایی می باشد که این آیتم نیز با استفاده از شاخصهای IECD، سلامت جسمانی، روانی و آموزشی مربیان را از دید والدین مورد بررسی قرار داده است و با توجه به اینکه ۹۹٪ والدین معتقد بوده اند که مربیان روستامهدهای منطقه خود از لحاظ سلامت (جسمانی ، روانی و آموزشی ) در وضعیت مناسب و بالایی قرار دارند، می توان نتیجه گرفت مربیان مهدهای روستایی بررسی شده از صلاحیت بالایی برخوردار هستند.

کیفیت فضای فیزیکی یکی دیگر از شاخصهای مورد بررسی در مهدهای روستایی می باشد که مورد سنجش قرار گرفته است. همان طور که عنوان شد، داده ها نشان می دهند ۶۹٪ مهدها از لحاظ امکانات کلی (آموزشی، بهداشتی، تفریحی و رفاهی) در سطح پایینی قرار دارند و ۲٪ نیز فاقد هرگونه امکانات فضای فیزیکی هستند، بنابراین می توان نتیجه گرفت که مهدهای مورد بررسی از لحاظ کیفیت فضای فیزیکی در وضعیت نامناسبی قرار دارند.

برنامه های آموزشی شاخص دیگری از اهداف مورد بررسی است که با توجه به داده های موجود در وضعیت مناسبی قرار دارد به طوریکه ۶۷٪ مهدها از لحاظ اجرای دستورالعملها و برنامه های روزانه در سطح متوسط و ۳۲٪ در سطح بالایی قرار دارند، ۹۱٪ از لحاظ آیتم های آموزشی واحد کار در سطح بالا و ۸۹٪ کارگاه های آموزشی موجود در واحد کار مهدهای روستایی مورد بررسی، دارای کیفیت بالایی هستند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که مهدهای روستایی از لحاظ کیفیت برنامه های آموزشی در سطح بالایی قرار دارند .

شاخص بعدی، میزان دسترسی مردم به خدمات ارائه شده در مهدهای روستایی است که بسیار پایین ارزیابی شده است. چراکه ۵۰٪ مهدهای مورد بررسی فاقد برنامه آموزشی برای والدین هستند و ۷۸٪ مهدهای روستایی جلسه آموزش تغذیه را نیز برای والدین برگزار نکرده‌اند. از سویی دیگر با توجه به اینکه در بازه اجرای طرح (سال ۸۷-۱۳۸۸) میانگین درآمد در خانواده‌های روستایی حدود ۲۰۰ هزار تومان بوده است و در مقابل میانگین هزینه‌ها نیز ۱۹۰ هزار تومان گزارش شده است، می‌توان گفت که بیشترین وقت خانواده‌ها به تأمین امرار معاش روزانه صرف می‌شود.

مشارکت والدین که یکی دیگر از شاخصهای IECD می‌باشد از سه جنبه مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در وهله اول مشارکت والدین از دید خود والدین مورد بررسی قرار گرفته است که ۶۴٪ والدین معتقدند که مشارکت خود و دیگر والدین در سطح متوسطی قرار دارد، در وهله دوم مشارکت والدین از دید مربیان مهد مورد بررسی قرار گرفته است که ۵۴٪ مربیان مشارکت والدین در مهد کودک را پایین ارزیابی کرده‌اند و در وهله سوم مشارکت از تعداد والدین شرکت‌کننده در جلسات آموزش تغذیه به نسبت کودکان ثبت‌نامی بدست آمده است که به‌طور میانگین ۵۸٪ از والدین کودکان ثبت‌نام شده در مهدهای روستایی در جلسات آموزشی تغذیه شرکت کرده‌اند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت والدین در امور مهدهای روستایی بسیار پایین است و این مشارکت در طرح تغذیه و همکاری در این طرح کاملاً صفر می‌باشد.

در نهایت با توجه به اینکه ۷۸٪ مهدها جلسه آموزشی تغذیه برای والدین برگزار نکرده‌اند؛ ۸۶٪ از طرف شورای اسلامی روستا، ۶۸٪ از طرف بهداری روستا و ۶۴٪ از طرف بهزیستی شهرستان مورد حمایت قرار نمی‌گیرند؛ ۴۹٪ مهدها کمیته بهبود تغذیه را تشکیل نداده‌اند و بقیه نیز به‌صورت صوری بوده و فقط جهت گرفتن امضاء به اعضای کمیته مراجعه کرده‌اند و با وجود اینکه شهریه ابلاغی استان ۸ هزار تومان در ماه می‌باشد، ۱۶٪ از مهدها بدون دریافت شهریه کار می‌کنند و ۳۳٪ نیز زیر ۲ هزار تومان شهریه ماهانه

دریافت می‌کنند. همه این موارد می‌تواند منجر به این شود که توان جلب مشارکت در مهدهای روستایی بسیار پایین باشد.

علاوه بر موارد ذکر شده، مشاهدات پژوهشگران حاوی نکات قابل توجهی بود که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: «بیشتر مربیان ساکن شهر بوده و هر روز مسافت زیادی را برای رفتن به مهد کودک در روستای مورد نظر طی می‌کردند که این موضوع در فصول سرد موجب تعطیلیهای متعدد مهد شده است». «تنها بودن مربیان و نبود هرگونه نیروی کمکی مشکلات متعددی را در ارائه خدمات به‌ویژه نبود نظارت کافی و مناسب بر کودکان و تهیه و انتقال غذای گرم به مهد ایجاد کرده است». «توجه نساختن مربیان در تقسیم‌بندی بودجه ارائه شده به روستامهد موجب ابهاماتی در شیوه هزینه بودجه برای خدمات مختلف شده است». «نظارت و بازدیدهای مناسبی از سوی بهزیستی شهرستان به عمل نمی‌آید». «کارگاه‌های آموزشی برگزار شده از سوی بهزیستی در مراکز استانها صورت می‌گیرد و چون ایاب و ذهاب مربیان پیش‌بینی نمی‌شود، بیشتر مربیان از حضور در جلسات امتناع می‌کنند» و...

در نهایت می‌توان عنوان کرد که از آنجا که روستامهدها یکی از ابزارهای تحقق عدالت و اهداف پیشبرد منافع عالیه کودکان هستند باید توجه خاصی به توسعه کمی و کیفی آنها معطوف شود. نتایج این مطالعه نشان دهنده این است که روستامهدها از نظر آموزشی در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارند اما از نظر امکانات بهداشتی و تفریحی پایین‌تر از سطح استاندارد هستند. بنابراین روستامهدها از جانب نهادها و سازمانها نیاز به حمایت دارند. همچنین نیاز است مدیران و مربیان مهدها از اهمیت مشارکت آگاه شوند و همچنین راهکارهای جلب مشارکت را فراگیرند.

- ابری، س.، حاج‌یوسفی، ع.، حاج‌بابایی، ح. و رهگذر، م. (۱۳۹۰). مقایسه رشد اجتماعی کودکان ۳ تا ۶ سال برخوردار و محروم از خدمات روستامهددا (بررسی موردی شهرستان ورامین). *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۴۱، ۳۴۳-۳۶۸.
- الهیاری، ط. (۱۳۸۰). *بررسی ویژگی‌های روانی، اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان ۳ تا ۶ ساله و تأثیر آموزش مهدکودک بر تحول آنها*. تهران.
- توکلی، م. (۱۳۸۰). *بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر مشارکت روستاییان در طرحهای رفاه اجتماعی. مورد روستامهددا، تهران، مدارک سازمان بهزیستی کشور*.
- رشیدی‌ظفر، م.، جان‌بزرگی، م. و شقاقی، ف. (۱۳۹۱). اثربخشی بازی درمان گری بر ارتقای رفتار اجتماعی مثبت کودکان پیش‌دبستانی. *علوم رفتاری*، شماره ۱۹، ۶۹-۷۸.
- سازمان بهزیستی کشور (۱۳۸۶). *طرح راه‌اندازی و گسترش روستامهددا، معاونت امور اجتماعی، دفتر کودکان و نوجوانان*.
- سازمان بهزیستی کشور (۱۳۸۵). *یکپارچه‌سازی رشد و تکامل کودکان خردسال. معاونت امور اجتماعی، دفتر کودکان و نوجوانان*.
- ساتراک، ج. د. (۱۳۸۵). *زمینه روانشناسی. ترجمه مهرداد فیروز بخت، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا*.
- فکرآزاد، ح. (۱۳۸۵). *ارزیابی چالش‌های یکپارچه‌سازی برنامه IECD در ایران. سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور اجتماعی، دفتر کودکان و نوجوانان*.
- ماسن، پ. ه. و همکاران (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر ماد*.
- محمدزاده، س. (۱۳۸۷). *کودکان در وضعیت دشوار. پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشگاه علاه طباطبایی، تهران*.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). *سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.
- یزدان‌دوست، ر. و واحدی، ش. (۱۳۸۴). *بررسی کیفیت مهدهای روستایی براساس محتوای آموزش آنها، سازمان بهزیستی کشور. معاونت امور اجتماعی، دفتر کودکان و نوجوانان*.



- یونسف (۲۰۰۸). خلاصه گزارش اجرایی وضعیت کودکان جهان در سال. صندوق کودکان سازمان ملل متحد، ایران، تهران.
- هیلگارد، ا. و باور، گ. (۱۳۸۴). *نظریه‌های یادگیری*. ترجمه محمدتقی براهنی، تهران: نشر دانشگاه.
- Jiang, W., Huansong, Y. & Lihua, X. (2014). The Study of the Development of Urban and Rural Preschool Education in Justice—Orientation. *International Conference on Education Reform and Modern Management* (ERMM 2014), Published by Atlantis Press.
- Williams, T. & Mann, T. L. (2011). *Early Childhood Education in Rural Communities: Access and Quality Issues*. Frederick D. Patterson Research Institute.

